

<p>شرح اشتراك مرکز (۹) افغانی محررین دانمی داخله (۱۰) معلمین خارج (۴) کلدار متعلمین واحدفروشی و اشتراك شماهه ندارد</p>	<p>آئینه عرفان مجله علمی، ادبی، مصور، ماهانه دوره درم سال نهم</p>	<p>عنوان وزارت معارف ریاست تعلیم و تربیه مقالات وارده اعاده نمیشود. اصلاح و درج حق اداره است</p>
--	--	--

ترجمه محمد نبی خان

وظیفه

وظیفه شما چیست اگر نمیدانید معلوم کنید .
چطور يك شخص وظيفه خود را كه در آن كاهيا بى مضراست كشف كرده ميتواند؟
اين سوال در حيات بسيار واقع ميشود از مکتوبها و بسا اسناد ديگر استنباط ميگردد
كه عده كثيرى از مردمان از وظيفه خود مطمئن نيستند - اما اگر غور شود مسئله
طرز ديگرى را بخود ميگيرد و آن عبارت از خوش بودن است هر شخص خواهان
است كه بسيار با فرحت باشد و اشخاصي كه بوظيفه خود قانع نيستند چنان حس
ميكنند كه اگر كدام وظيفه ديگر براي خود انتخاب كنند نه صرف كاملتر مى گردند
بلكه مسرورتر ميباشند - اگر شخصى از وظيفه خود متنفر باشد يقيناً با خود خوب
نيست يعنى صلاحيت خود را با وظيفه نميداند . بسا اشخاص ديده شده پس از آنكه
اهليت خود را بيك كار پيدا كردند هر قدر كه از ان قبلاً متنفر بودند بعد از ان بهمان
اندازه با آن كار محبت و علاقه مندى پيدا نموده اند .

اشخاص زيادى تمام قواى خود را در فكر و تصور اين صرف كردند كه اگر كدام
راه مستقيم وظيفه را كشف بنمايند چقدر مسرور خواهند بود . از اينرو ماها بلكه
سالها بغير همين فكر ديگر كاري كرده نتوانستند . در بسا مواقع چنين نتيجه ميدهد كه آنها

نا کام و صرف برای کدام حسن تصادف که شخص احمق برای پیش آمد امر غیر یقینی سریع الزوال انتظاری کشیده حیات مسلکی خود را تغییر داده .
اعتماد به وظیفه : - عده کثیری از اشخاص که سرگرم يك وظیفه اندا گر آنها متقین اند که کدام کاری را پیش برده توانسته باجرای آن قادر هستند از صرف مساعی دریغ نمیکنند. ولی باید عقیده و اعتماد قبل از آغاز کار را سخ کردد - همچنین عده دیگری از اشخاص چنان به کهالت و سستی متعود شده در اعضای شان رخوت جا گرفته وقتیکه آنها تغییر حالات و اوضاع خود را اظهار میدارند از صمیمیت نمیگویند اینها بغیر از اینکه حالت پژمردگی و ضعف اراده خود را مشاهده نموده بگویند و کار فردا بهتر خواهد شد دیگر چیزی کرده نمیتوانند. البته يك چیز را خوب سنجش نموده میتوانند یعنی میگویند که اگر آنها عادات طبیعی - اساس خیالات خود را تغییر ندهند کارها خوبتر نخواهد شد زیرا حالات محیط با خیالات ما قدم بقدم سیر دارد .
بامر دمانی تصادف کرده ام که آنها میخواهند کامیابی را بيك طریق آسان حاصل نمایند بی آنکه به کدام کوشش حقیقی اقدام نمایند و منتظر اند که دیگر شخص برای آنها کار کرده اشیاء را مستعد و آماده نموده و لقمه تیار برای آنها بسازند .

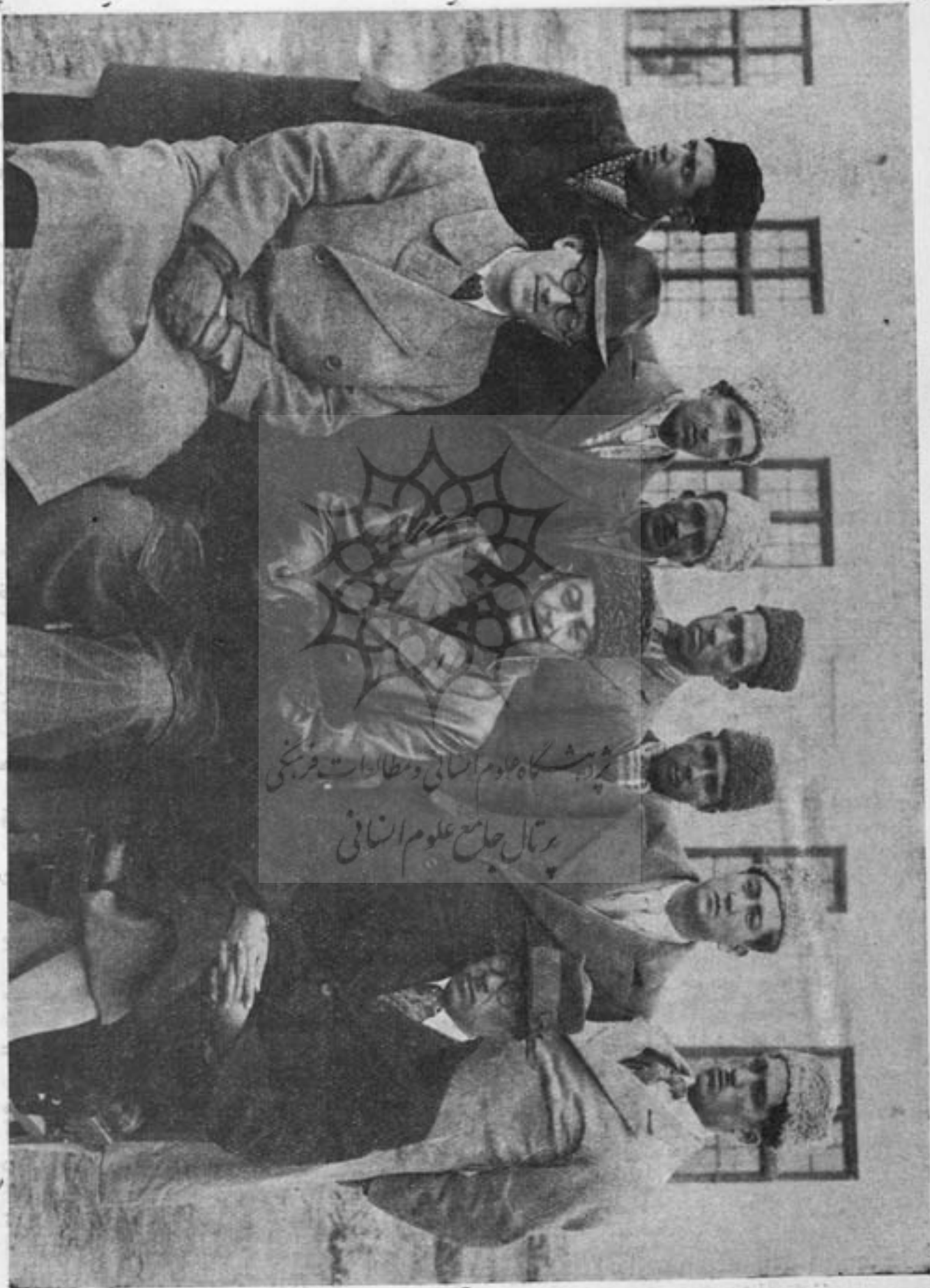
اینچنین اشخاص گاهی تصور میکنند که تحت اثر هیپنوتیزم گرفته شده چنان تحت شعاع آن آمده اند که صرف بطرف کامیابی دیگرها دیده مثلثیکه برایشان گفته شده باشد که به بینید اشخاصی را که ترقی میکنند! یک شخص جوان را دیدم که دارای يك چهره و قواره عجیب بود همیشه انتظار میکشید که کدام شخص دیگر کارش را انجام دهد در وقتیکه دفتر مرا ترك داده چنان وضعیت را نشان میدهد مثلثیکه دنیا را بآتش میاندازد . لاکن وقتیکه او را دوباره میبینم ازو پرسان میکنم که خوب شما عقب کار بهتر رفته بودید او متحیرانه جواب میدهد که و کدام چیز مانع شد این

و کدام چیز معلوم شد که شی بسیار جزوی بوده که خاطر او را متسلی ساخته هنوز امیدم از طرف او قطع نشده در صورتیکه ذهنیت خود را تغیر دهد البته در حیات کاری را پیش برده خواهد توانست - مگر رخاوت و سستی در اعصاب او عمیقانه مرکوز گردیده که رفع آن زحمت و وقت طولانی بکار دارد .

نقص فهم : - طبعاً اکثر اشخاص از عهد های خود شکایت داشته نمیفهمند که چطور و چرا از دیگرها عقب مانده اند ، این نقصان فهم رفته رفته شک و تردید را در دل آنها تولید میکند البته در هر چیزیکه تردد واقع شود مثل دیوار سنگی در پیش روی آنها حائل میگردد .

هر کس بخاطر داشته باشد که حیات نمایندگی عمل را میکند ، باید گاهی خاموش و بیکار نباشیم خود را به نزد دماغ و عملیات داخلی خود که همیشه بکار مصروف اند منجول نسازیم - یک شخص ۴۲ ساله را میشناسم که در سابق بسیار کامیاب بود بعد از دو سال بخاطرش گذشت که بر فشار و حرارت و با سرعت روان هستم - بسیار آدمها از عمر سخت متجاوز میشوند و در شروع با احتیاط نمودن کار قلب فعال اوا گرچه بر اغلط حرکت میکرد از کار نمانده خود را به تفتیش نمودن شروع نمود که سبب رخوت اعصاب خود را معلوم نموده برای نیل کامیابی بلند تر اقدامات سخت تری نماید البته خواهد توانست بلکه یقین دارم که میتواند بیشک هر کس در میل و ذوق خود مساوی نیست که استعداد خود را بصورت عملی بکار بیندازد یا زحمت بکشد - عموماً کسانی که خود را در درجه های پست ناکامی می یابند را اغلطی را تعقیب کرده اند و وقتیکه آنها بطور صحیح داخل کار شوند خود را بهتر دانسته راهی را مشایخه خواهند نمود که خط ترقی آنرا هنمایی می کند .

قبل از آنکه فعالیت صحیح خود را راجع بچند چیز بکار اندازید آنها را امتحان



فروع التحصيلان شعبه مهندسی مکتب صنایع

کنید و اگر بی حوصله نشدید و موقعیت اعلائی کامیابی خود را در آن می‌باید چنانچه حیات اکثر اشخاص ادعای فوق‌النسبت نموده این مقوله را گفته‌اند که (کامیاب‌ترین اشخاص قبل از آنکه مقام حقیقی را یافته حقیقتاً ترقی کرده‌اند تا کام میگردند) اینجا بعضی اشخاص مستقیماً باین فکر اند که قسمت در هدایت راه صحیح آنها معاونت کرده نمی‌تواند صرف دلیلی که در اینجا وارد میگردد گفته می‌شود که بسا اشخاص بغفلت قسمت رفته‌اند در یلوستون پارک آب‌دودر یا از یک منبع میباید یکی آن بطرف مغرب‌جریبان یافته رهگذرهای خود را آبیاری نموده به بحر الکاهل می‌رسد و دیگر بطرف شرق جریبان یافته به خلیج مکزیکو در بحر اطلس می‌ریزد. اندک ارتفاع در منابع آنها سر نوشت هر کدام را معین میسازد. یک‌جهاز بطرف شرق و دیگر بطرف غرب می‌رود در عین‌زمان باد هم میوزد. فی‌الحقیقت دسته‌بادهای آنهاست که رفتار آنها را معین میسازد نه باد. شخصی که اشتباه بزرگی می‌کند از عقیده‌های بدیع نسبت به قسمت وی است که آینده او را مقدر می‌کند. کسیکه بدماغ او تنها عقیده قسمت جاگیر شده باشد ازین فکر انکار می‌ورزد که در قسمت خود تاثیر کرده می‌تواند. به‌تازد چنین شخص انسانهای بسیار موجود است اشخاصیکه هیچ ذوق و لیاقت مخصوصی ندارند بچنان نقش قسمت منقش‌اند که از خود چیزی کرده نتوانسته خود را طوری تسلیم میکنند که هر چیز برای آنها پیش شود آنرا بکمال خوبی پذیرائی مینمایند.

اگرچه این حکایات چندان ارزشی ندارد مگر شخصیکه با امتحان و آزمایش امور هیچ دلچسپی نداشته بایک‌قوة فوق‌العاده به کارها تماس دارد، یقین می‌رود که اغلباً بدون استثنائی (بشرطیکه تمام حقائق را بشناسد) بقسمت قانع بوده یا اقلاً آنرا راه‌های غیر صحیح نمی‌پندارد. لاکن بسبب تسلی خود میگوئیم که اگر تمام این حکایات در باب پیش آمده‌های قسمت که مردم را بیک طرف سوق میدهد درست باشد پس شما

برای يك شی موهوم نشسته و انتظار کشیده نمی توانید - و هر چیزی که شما می کنید یقین داشته نمی باشد که آیا حقیقتاً آنرا اجرا کرده می توانید .

بسا اشخاص بدون تصور قسمت بکامیابی نائل گردیده اند - اگر عدم اعتماد که علت بزرگ ناکامی محسوب می شود يك طرف نهاده شود گفته می شود که دیگر سبب نائل نگردیدن اشخاص به مقصد عقیده قوی آنهاست که قسمت ضرور در رسیدن آنها بطرف علویت دخیل است البته کسی به بسیار شدت گفته نمی تواند که آنها چنین عقیده را نداشته باشند .

اکثر مردم خود را از کار خوبتر کنار نموده عقیده قوی دارند که يك پرنده در دست مساوی قیمت دوبرنده در بسته کلاب است - البته بیشتر اوقات این واقعه درست می افتد اما نگذارید این فکر خراب در عاقبت اندیشی و دور بینی و تلقینات اطمینان بخش روح شما مداخلت کرده شما را بطرف آن کاریکه برای آن موزون نیستید سوق بدهد .

اکنون اگر بخواهید که واجعبا انتخاب و اتخاذ وظیفه از تلقینات آن بی خبر هستید بی ملاحظه باشید ؛ در اینحالت چه خواهید کرد *بهنانی*

قوة مدر که خود را موقع دهید که شما را هدایت نماید اگر چه در خط سیر و حرکت خود آنقدر مصروف و غرق هستید که کدام يك از تلقینات خاموش تر از آواز دهل را شنیده نمی توانید ولی اگر شما حالات را صحیح تر بسازید کدام تصور یا کدام عقیده برای شما پیدا شده بعد از چندی گفته می توانید او !

يك مفکوره برایم قائم شد پس همان مفکوره را اگر چه قلیل باشد احترام کرده آنرا پیش خود محفوظ دارید - قوه و طاقت خود را در افشای آن ضائع نسازید .

يك موقع درخشانی برای هر کس میسر است و آن عبارت از وظیفه ایست که هر شخص آنرا اجرا کرده می تواند البته در اینخصوص هیچ جای شك و تردیدی

نیست . چیزی را که هر کس بهتر اجرا کرده می تواند هیچ کس ماسوای مخترع او او را تعلیم داده نمی تواند . کجاست معلمیکه شکسپیر را تعلیم داده می توانست فرینکلن یا بیکن ، تنها کافی نیست که شما خود را مشغول داشته بتوانید بلکه شما کاری را انجام دهید که قوای شما برای آن مستعد است ؛ بسا اشخاص را دیده ام که خندق هزار حفر می نمایند حالا نکه برای قانون سازی خیلی مستعد اند همچنین کسانی را مشاهده کرده ام که موافقی را اشغال نموده اند که لیاقت گامی را در راه دارند - در بعضی صورتها از رهگذر عدم اعتماد و قدامت و در برخی حالات از باعث عدم اقتدار و هو زونیت خارج مقامات خود مانده اند بالاخره گاهی سطحی نروید و خاموش نمائید خیلی بهتر است که مستقیماً رفته غلطی ها کنید نسبت باینکه از رهگذر ترس عاطل و تنبل بمانید .

موقعیت حقیقی و موقعیت راست : - بین موقعیت حقیقی و موقعیت راست فرق بین موجود است که هر کس باید آنرا بداند - موقعیت حقیقی موقعی است که خداوند (ج) اراده نموده که بران یک شخص مشغول باشد . در موقع مذکور خوشی فوق العاده - صحت کامله - سعادت حقیقی - حیات فعالانه و زندگی با ذوق خواهد بود موقع مذکور برای شما انتظار می کشد عجب تر اینکه هیچ کس در دنیا آنرا اشغال کرده نمی تواند - حتی الامکان هیچ کس ماسوای او در کره ارض اهلیت اشغال موقعیت حقیقی را پیدا کرده نمی تواند .

موقعیت راستی موقعیست که عملاً در همان لحظه یک شخص در آن مشغول هست خواه در آن خوش هست یا نه .

شما همیشه در مقام راستی خود هستید زیرا دائماً در مقامی هستید که مربوط بقوای ذهنی شماست . شاید این مقام موقع حقیقی شما نباشد اگر حالات شما خوش آیند نباشد این نکته چنین معنی دارد که قوای ذهنی شما قابل تغیر است آنرا تغیر

دهید که در اثر آن حالات خارجی شما نیز تغییر بکنند .
 شخص مریض در بستر بموقعیت راستی خود میباشد زیرا یک ذهنیت مریض را دارد
 لاکن بستر مذکور موقعیت حقیقی او نمی باشد زیرا کار او عبارت از این است که ذهنیت
 خود را تغییر داده معنویات خود را صحیح بسازد و وقتی که صحت یافت بستر مدت زیاده تر
 بحالت موقعیت راستی او نمی ماند . شخص غریب در حالت موجوده یک ذهنیت
 فقر دارد و نتایج طبیعی آنرا متحمل می شود مگر فقر مقام حقیقی او نیست حتی یک
 دعا او را از آن مقام مستغنی ساخته می تواند . یک شخص در محبس نیز بهمین نوع
 حالت می باشد خدای عظیم الشان را حمید گوئید که شمارا هدایت نماید تا که مقام
 حقیقی و موقع راستی شما متحد باشد .



پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علم